

## \* اعزام دانشجویان پزشکی ایران به خارج از کشور تحت حمایت دولت (۱۹۳۵-۱۸۱۱)

محمد حسین عزیزی / فرزانه عزیزی<sup>۱</sup>  
ترجمه: فریده فرزی<sup>۲</sup>

### چکیده

اولین گروه دانشجویان پزشکی ایرانی در سال ۱۸۱۱ و در طی دهه اول حکومت قاجار به انگلیس (بریتانیا) فرستاده شدند. دومین گروه دانشجویان در سال ۱۸۱۵ که تنها ۴ نفر بودند، به فرانسه اعزام شدند و گروه دیگر دانشجویان که تنها ۵ نفر بودند، شامل ۳ دانشجوی پزشکی، در سال ۱۸۴۵ به فرانسه اعزام شدند. ۴۲ دانشجوی دیگر شامل ۵ دانشجوی پزشکی، در سال ۱۸۵۸ به فرانسه اعزام شدند. بیشتر اعضای گروه اخیر از میان اولین دانشجویان مدرسه دارالفنون (خانه مهارت) تهران بودند. سپس در سال ۱۹۲۸ در طی حکومت رضا شاه پهلوی (۱۹۴۱ - ۱۹۲۵)، قانونی به وسیله پارلمان ایرانیان (مجلس) تصویب شد که بر آن اساس وزیر آموزش و پرورش سالانه باید با هزینه دولت ۱۰۰ دانشجو برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر به خارج از کشور بفرستد. این تصمیم با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۵ معوق ماند. بین سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۵ گروهی از ۶۴۰ دانشجو، شامل ۱۲۵ دانشجوی پزشکی، به خارج از کشور فرستاده شدند. اکثر دانشجویان پزشکی (۸۴٪) به فرانسه فرستاده شدند. بیشتر این دانشجویان پزشکی به ایران بازگشتند و در سال‌های بعد نقش مهمی را در ترویج و پیشرفت دانش پزشکی در ایران ایفا کردند. مقاله حاضر شرح تاریخی مختصری از موقعیت سلامت عمومی و تحصیلات پزشکی بین سال‌های ۱۹۳۵ - ۱۸۱۱، و همچنین خلاصه‌ای از شناخته شده‌ترین پزشکان از میان این فارغ التحصیلان است.

### Government - Sponsored Iranian Medical Students Abroad (1811 - 1935)

Mohammad Hossein Azizi & Farzaneh Azizi

Translated by: Farideh Farzi<sup>3</sup>

#### Abstract

The first Iranian to study medicine abroad was sent to Britain by the Iranian government in 1811, during the early decades of the Qajar period (1796-1925). The second student was sent to France in 1815, along with four other students. Another group of five students, including the third student of medicine, was sent to France in 1845. Forty-two others, including five medical students, were dispatched to France in 1858. Most members of the latter group were among the first graduates of Tehran Dar al-Fonun (House of Techniques) School. Then, in 1928, during Reza Shah Pahlavi's reign (1925-41), a special act was passed by the Iranian parliament (Majlis) according to which the Ministry of Education would send 100 students abroad annually for higher education at the government's expense. The practice was suspended in 1935 with the advent of the Second World War. Between 1928 and 1935, a total of 640 students, including 125 medical students, were sent abroad. The majority of the medical students (84 percent) were sent to France. Most of these medical graduates returned to Iran and in subsequent years played a significant role in further propagation of modern medical knowledge in the country. The paper presents a brief historical account of the conditions of public health and medical education between 1811 and 1935 as well as biographical sketches of some of the best-known or most influential medical figures among these graduates.

\*. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Mohammad Hossein Azizi and Azizi & Farzaneh, Government - Sponsored Iranian Medical Students Abroad (1811 - 1935), Iranian Studies, Volume 43, Number 3, June 2010.

۱. محمد حسین عزیزی otolaryngologist (متخصص رشته بیماری‌های گوش و حلق و بینی) است و فرزانه عزیزی دانشجوی دامپزشکی دانشگاه پزشکی تهران می‌باشد. نویسندگان سپاسگزاری خود را از دکتر ت. نیرنوری بخاطر بازبینی مقاله و ارائه پیشنهادات مفیدشان ابراز کنند. همچنین از خانم دکتر منصوره خلیلی (منوچهریان) و دکتر امیر مهدی میر ناطقی که زندگی‌نامه پروفسور فریدون منوچهریان را فراهم کردند، تشکر می‌نماییم.
۲. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه الزهراء (س).

3. MA in the History, Al-Zahra University. Email: farzi.farideh@yahoo.com

## وضعیت سلامت عمومی در دوره ی قاجار (۱۷۹۶ - ۱۹۲۵)

ایران در سال ۱۸۰۰ حدود ۵ میلیون و در سال ۱۹۰۰، ۹ میلیون جمعیت داشت. اکثر ایرانیان در بیش از ۳۰ هزار روستا اقامت داشتند. در سال ۱۹۰۰ جمعیت شهری دو برابر و شامل ۱۸٪ از کل جمعیت بود. در آن زمان درصد مرگ و میر کودکان بیشتر از ۵۰٪ بود و بیماری‌های گوناگون کشنده، ناشی از فقدان سطح سلامت عمومی، سوء تغذیه و نبودن مراقبت‌های پزشکی لازم بود.<sup>۴</sup> امکانات سلامت عمومی طی حکومت قاجار، بسیار ضعیف بود. در قرن نوزدهم، ایران هنوز در معرض شیوع بیماری‌هایی مانند وبا، طاعون، تیفوس و آبله بود. بر طبق گزارش اداره بهداشت جامعه‌ی ملل (بخش اتحادیه‌ی ملل سلامت عمومی)، هفت وبا‌ی بزرگ در ایران بین سال‌های ۱۸۲۰ - ۱۹۰۳ شیوع پیدا کرد و عامل بسیاری از مرگ و میرها شد.<sup>۵</sup> بین سال‌های ۱۸۷۲ - ۱۸۶۹ بزرگترین نتیجه خشکسالی، کاهش ۱۰٪ از کل جمعیت بود.<sup>۶</sup>

وضعیت سلامت عمومی حتی در آغاز قرن بیستم نیز ضعیف بود. بین سال‌های ۱۹۲۳ - ۱۹۲۲ در تهران، تیفوس ۱۶۳ نفر را کشت و آبله موجب مرگ ۲۷۰ نفر از مردم شد. علاوه بر این، مرض سل و مالاریا، مکرر باعث مرگ و میر می‌شد. بیماری کشنده مالاریا، مخصوصاً در شمال ایران بیشتر رایج بود و تنها در تهران عامل مرگ ۲۶۳۴ نفر در سال ۱۹۲۴ بود.<sup>۷</sup> در نیمه قرن بیستم یک سلسله اصلاحات مهم در ایران آغاز شد.<sup>۸</sup> بعضی اقدامات برای ترویج سلامت عمومی، پزشکی غرب را جدا کرد و نهاد پزشکی مدرن را بنیانگذاری کرد. این اقدامات شامل برنامه واکسیناسیون آبله بود.

**برنامه واکسیناسیون آبله:** پیشینه واکسیناسیون آبله به زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار (۱۸۳۴ - ۱۷۹۷) برمی‌گردد؛ زمانی که دکتر بریتانیایی، دکتر جان کرمیک (John Cormick)، داروساز مخصوص، یک رساله در مورد آبله برای شاهزاده عباس میرزا (۱۸۳۳ - ۱۷۸۹) نوشت. واکسیناسیون همگانی ضد آبله به وسیله رهبر اولیه اصلاحات، میرزا تقی خان امیر کبیر، اجباری

4. Willem Floor, *Public Health in Qajar Iran* (Washington, DC, 2004), p. 11

۵. داریوش پیرنیا و پ خوانساری، گزارش اداره صحت جامعه جامعه ی ملل (تهران: ۱۹۷۶)، ص ۶۱ - ۶۰.

۶. احمد سیف، قرن گمشده: اقتصاد ایران در قرن نوزدهم (تهران: ۲۰۰۸)، ص ۴۷.

۷. پیر نیا و خوانساری، گزارش بخش سلامت عمومی ملل متحد، ص ۶۳ - ۶۲.

8. Monica M. Ringer, *Education, Religion and Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran* (California: 2001), p. 67.

شد که به وسیله ناصر الدین شاه (۱۸۹۶ - ۱۸۴۸)، منصوب شده بود و در سال ۱۸۴۸ در زمان صدارتش آن را قانونی کرد. معلم اتریشی دارالفنون، دکتر جاکوب ادوارد پولاک ( Jacob Eduard Polak - ۱۸۹۱ - ۱۸۱۸) می‌نویسد: «امیرکبیر نگران سلامتی رعیت بود؛ او تلاش می‌کرد به وسیله واکسیناسیون و اعزام پرستار به سراسر استان‌ها با امکانات موثر و ترجمه‌ی مقالات در مورد آبله، اقدام موثری در ایران انجام دهد.» همچنین دکتر پولاک می‌افزاید: «در آن زمان، بیشتر کودکان در تهران بر ضد آبله واکسیناسیون شدند، اما متأسفانه بعد از مرگ امیرکبیر بیشتر برنامه‌های سلامت او معوق ماند و بی‌اثر شد.»<sup>۹</sup>

**انجمن حفاظت از سلامت عمومی مردم:** در سال ۱۸۸۱، انجمن حمایت از سلامت که یک اصل مهم در نشان دادن پیشرفت پزشکی مدرن در ایران بود، تاسیس شد. همچنانکه ویلم فلور اشاره می‌کند «کمیسئون بهداشت بین المللی از استانبول (۱۸۶۶) و وین (۱۸۷۴) دیدار کرد و ایران را به ایجاد کمیسئون سلامت در تهران موظف کرد.» بنابراین، ناصرالدین شاه (۱۸۹۶ - ۱۸۴۸)، به داروساز فرانسوی دکتر جوزف دیزر سولوزان (Joseph Desire Tholozan - ۱۸۹۷ - ۱۸۲۰) دستور داد یک نهاد برای سلامت عمومی ایجاد کند.<sup>۱۰</sup> سولوزان داروساز مخصوص ناصرالدین شاه به عنوان اولین رئیس مجلس صحه (انجمن سلامت) تعیین شد. او تحقیقات علمی طاعون را مدیریت کرد و یک نشانه جدیدی پیدا کرد که عاملی بود برای تشخیص نام بیماری تب ایرانی. دکتر سولوزان هشت رساله پزشکی نوشت و در ایران دچار بیماری سختی شد. او در سال ۱۸۹۶ درگذشت و در تهران به خاک سپرده شد. بعدها کمیسئون سلامت، انجمن حفظ سلامت نامیده شد (انجمن حفظ صحه). اولین دیدار انجمن، توسط دکتر سولوزان در سال ۱۸۸۱ رهبری شد. اعضای انجمن عبارت بودند از داروسازان ایرانی: علی اکبر خان نفیسی، میرزا عبدالله طیب و میرزا کاظم شیمی، یک اروپایی از انگلیس به نام دکتر جوزف دیکسون (Joseph Dickson) و کریبینین (Cherebinin) از روسیه، و مقامات رسمی دولت شامل وزیر آموزش و پرورش و رئیس مدرسه دارالفنون. آنها هفته‌ای یکبار در دارالفنون

۹. فریدون آدمیت، *امیرکبیر و ایران* (تهران: ۱۹۷۸)، ص ۳۳۴ - ۳۳۲.

دیدار داشتند. مأموریت مهم انجمن، تقویت و ترویج اختیارات استانداردهای بهداشت عمومی بود.<sup>۱۱</sup>

در سال ۱۸۸۰ در اکثر شهرهای مهم ایران، یک شعبه انجمن وجود داشت.<sup>۱۲</sup> بنابراین، انجمن سلامت همگانی، تحت حمایت وزرای داخلی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. بر طبق گفته‌های فلور انجمن دیگری در سال ۱۹۰۴ سازماندهی شد و انجمن جدیدی جایگزین آن شد. فعالیت‌های انجمن تا سال ۱۹۲۰ ادامه پیدا کرد تا وقتی که چهل و هشت نفر در اداره سلامت تعدادی از شهرها منصوب شدند.<sup>۱۳</sup> سرانجام، در طی حکومت احمدشاه قاجار (۱۹۲۵ - ۱۹۰۹)، انجمن به وزارت سلامت و امور خیریه (وزارت صحه و امور خیریه) تبدیل شد. در سال ۱۹۲۰، دکتر علی اصغر نفیسی (۱۹۴۲ - ۱۸۷۲)، فارغ التحصیل دارالفنون که تحصیلات پزشکی را در اروپا فراگرفته بود، به عنوان اولین وزیر سلامت و امور خیریه منصوب شد.<sup>۱۴</sup>

**تأسیس بیمارستان:** در زمان سلطنت ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۲ بیمارستان دولت (مریض‌خانه دولتی) که بعدها بیمارستان سینا نامیده شد در تهران تأسیس شد.<sup>۱۵</sup> به ترتیب بیمارستان‌های وزیری و شاه آباد در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (۱۹۰۷ - ۱۸۹۶) در تهران ایجاد شدند. سپس در سال ۱۹۱۶، طی دوره احمد شاه قاجار، بیمارستان نسوان (بیمارستان زنان) تأسیس شد، در سال ۱۹۴۴ نام آن به بیمارستان امیر اعلم تغییر داده شد، نام این بیمارستان بعدها به بیمارستان دکتر امیر اعلم (۱۹۱۶ - ۱۸۷۷) استاد آناتومی مدرسه پزشکی تهران تغییر داده شد.

**مؤسسه پاستور ایران:** در طی سال‌های بعد از سلسله قاجار، ایجاد مؤسسه پاستور ایران، عاملی در جدایی پزشکی مدرن بود. مؤسسه (پاستور) در ۲۴ آگوست ۱۹۲۱ در تهران افتتاح شد. این مؤسسه جدید به درخواست دولت ایران، با توافق و حمایت علمی فرانسه، تحت سرپرستی و

۱۱. محمد حسین عزیزی، «سابقه بنیاد وزارت بهداشت در ایران»، *اسناد پزشکی ایرانیان*، ۱۰، شماره ۱ (۲۰۰۷)،

ص ۱۲۳ - ۱۱۹.

12. Hormoz Ebrahimnejad, *Public Health in Qajar State, Pattern of Medical Modernization in nineteenth Century in Iran* (Leiden & Boston: 2004), p. 110.

13. Floor, *Public Health in Qajar Iran*, 206.

۱۴. عزیزی، «سابقه بنیاد وزارت بهداشت در ایران»، ص ۱۲۱.

15. Ebrahimnejad, *Public Health in Qajar State*, p. 60 - 61.

نفوذ پروفیسور پیررُکس (۱۹۳۳ - ۱۸۵۳) رئیس کل مؤسسه پاستور پاریس ایجاد شد. اولین رئیس مؤسسه دکتر جوزف مِسْتارْد بود که به وسیله پروفیسور رُکس معرفی شد. او به ایران آمد و تا پنج سال قبل از رفتن به فرانسه در سال ۱۹۲۵ این مقام را در دست داشت. دومین مدیر فرانسوی مؤسسه دکتر کراندِل بود که در سپتامبر ۱۹۲۶ به تهران رسید و تا سال ۱۹۳۴ در ایران ماند. او در قبرستان کاتولیک تهران به خاک سپرده شد. تحت سرپرستی دکتر کراندِل مؤسسه گسترش پیدا کرد، شامل بخش واکسیناسیون، با تأکید بر واکسیناسیون آبله. دکتر مارسیل بالتازارد (۱۹۷۱ - ۱۹۰۸) سومین رئیس فرانسوی ای بود که در سال ۱۹۴۶ به تهران آمد. او تا سال ۱۹۶۱ به عنوان رئیس مؤسسه در تهران باقی ماند و در ادامه توسعه و پیشرفت مؤسسه دارای قدرت و نفوذ بسیار بود. بعد از دکتر بالتازارد، اولین رئیس ایرانی مؤسسه، دکتر مهدی قدسی (۱۹۹۱ - ۱۹۰۰) بود.<sup>۱۶</sup>

بین سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ بیشتر از ۱۹۳۰۰۰ واکسن آبله به وسیله این مؤسسه تولید شد و میزان واکسیناسیون آبله از ۴۴/۶ درصد به ۷۵/۶ درصد افزایش یافت.<sup>۱۷</sup> در سال‌های بعد، مؤسسه پاستور ایران، به عنوان یک مرکز آموزشی و پژوهشی مهم خدمت کرد. در سال ۱۹۲۴ کل درآمد دولت ایران ۵۲۴،۶۸۶،۲۳ تومان و کل هزینه ۷۹۲،۴۱۴،۲۲ تومان بود. در آن زمان ۳۷۰،۱۳۶ تومان به امر سلامت ملت اختصاص داده شد.<sup>۱۸</sup>

## تحصیلات پزشکی

در تأسیس اولیه مدرسه دارالفنون در سال ۱۸۵۱، اغلب پزشکان با تجربه براساس طب سنتی جالینوس عمل می کردند. آنان موافق قوانین و آیین نامه‌هایی برای کار پزشکی نبودند.<sup>۱۹</sup> پزشکان بیشتر به نظریه اخلاط اربعه (مزاج چهار گانه) شامل: خون، صفرا، بلغم، صفرا، سیاه بودند. برای درمان اکثر بیماری‌ها از حجامت و گیاه‌های دارویی استفاده می کردند. تأسیس دارالفنون به وسیله امیرکبیر، یک گام مهم در ترویج پزشکی مدرن در ایران بود. کیدی می

---

۱۶. مهدی قدسی، تاریخ پنجاه ساله خدمات مؤسسه پاستور ایران (مؤسسه پاستور ایران، ۱۹۷۱)؛ مارکل بالتازارد،

۱۷. گزارش بخش بهداشت عمومی وزارت کشور، ص ۴۱ - ۴۰.

۱۸. محمد پور شالچی، رضا شاه قزاق بر اساس اسناد وزارت امور خارجه فرانسه (تهران: ۲۰۰۵)، ص ۴۲۱.

۱۹. ابراهیم سعادت، پیشرفت های پزشکی ایران در هفتاد سال اخیر (تهران: ۱۳۷۰)، ص ۱۶.

نویسد: «تحت حمایت (توجهات) دارالفنون رسالات گوناگون پزشکی شرق، اولین بار به فارسی ترجمه شدند، اولین کتاب‌های فارسی منتشر شدند و بعضی مقامات رسمی دولت‌ها آموزش‌های خود را از آن اخذ کردند.»<sup>۲۰</sup> بعضی از استادان صاحب نفوذ و اعتبار دارالفنون مانند دکتر ادوارد پولاک و دکتر جان لوئیز اسکلیمر (*Johan Louis Schlimmer* - ۱۸۸۱ - ۱۸۱۹) از هلند، چندین کتاب پیشرفته پزشکی را تألیف کردند. دکتر پولاک نویسنده اولین کتاب در زمینه آناتومی پیشرفته بود که به فارسی نیز ترجمه شدند. او همچنین اولین جراحی بود که عمل جراحی سنگ کلیه را از طریق بیهوش کردن در بیمارستان‌های ایالات متحده در سال ۱۸۵۴ با موفقیت انجام داد.<sup>۲۱</sup>

بیش از ۱۱۰۰ دانشجو در طول حکومت ناصرالدین شاه از دارالفنون فارغ التحصیل شدند. تعداد زیادی از این فارغ التحصیلان، تحصیلاتشان را به صورت گسترده و با توجه بیشتر ادامه دادند و موقعیت‌های مهم‌شان را در امر پزشکی مدرن حفظ کردند.<sup>۲۲</sup> همچنین دارالفنون پیشرو مدارس علم پزشکی بود. در سال ۱۹۱۸، بخش پزشکی دارالفنون مستقل شد و دانشکده پزشکی (مدرسه طب) در تهران تأسیس شد.<sup>۲۳</sup> در این دوره بعضی از فارغ التحصیلان دارالفنون - که در ادامه ذکر خواهد شد - به خارج از کشور فرستاده شدند. در سال ۱۹۲۳ اولین مدرسه داروسازی افتتاح شد،<sup>۲۴</sup> سپس پروانه لازم برای داروسازان و دندانپزشکان توسط امیرکبیر در سال ۱۸۵۱ صادر شد. اما در سال ۱۹۱۱ یک قانون توسط پارلمان تصویب شد که به موجب آن پزشکان و دندانپزشکان ملزم به گذراندن یک امتحان در مدرسه پزشکی تهران شدند. تا سال ۱۹۱۹ آیین نامه و قانونی برای داروسازان تصویب نشده بود.<sup>۲۵</sup> بر طبق گفته‌های فلور، در سال ۱۹۲۴ یک گروه ۹۰۵ نفره از داروسازان اجازه فعالیت پزشکی را در ایران یافتند که ۳۲۳ نفر آنها در تهران

20. Nikki R. Keddi, *Qajar Iran and the Rise of Reza Khan 1796- 1925* (California: 1999), p 22.

۲۱. م. ح. عزیزی، «دکتر جاکوب ادوارد پولاک (۱۸۹۱ - ۱۸۱۸)، سابقه پزشکی مدرن در ایران»، *استاد پزشکی ایرانیان*، ۸، شماره ۲ (آوریل ۲۰۰۵)، ص ۱۵۲ - ۱۵۱.

۲۲. جواد هدایتی، *تاریخ پزشکی معاصر ایران* (تهران: ۲۰۰۲)، ص ۳۹ - ۳۸.

۲۳. م. آ. حفیظی، *راهنمای دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، دندان پزشکی، بیمارستانها و دانشکده‌های وابسته به دانشگاه تهران* (تهران: ۱۹۵۱)، ص ۵۹.

۲۴. گزارش بخش سلامت عمومی ملل متحد، ص ۲۵.

۲۵. سعادت، *پیشرفت پزشکی در ایران در طی هفتاد سال اخیر*، ص ۱۶.

بودند. از این داروسازان ۲۵۳ نفر مدرک پزشکی داشتند و دیگران بر اساس قانون ۱۹۱۱ اجازه فعالیت پزشکی یافتند.<sup>۲۶</sup> داروسازان برای شناخت، اجازه کالبد شکافی نداشتند.

### اعزام دانشجویان به خارج از کشور

اعزام دانشجویان ایرانی به خارج از کشور در طی سال‌های اولیه حکومت قاجار شروع شد. اما همچنانکه ابراهیم نژاد می‌گوید: «در اوایل قرن نوزدهم تعداد کل دانشجویانی که جهت فراگیری علوم غرب به خارج از کشور فرستاده شدند کمتر از ده نفر بود؛ در حالی که در مصر صد و چهار دانشجو، بین سال‌های (۱۸۳۳ - ۱۸۲۶) به اروپا اعزام شدند.»<sup>۲۷</sup> بر طبق گفته‌های کدی «عباس میرزا (۱۸۳۳ - ۱۸۲۶) حاکم آذربایجان و تنها قاجاری با اقتداری بود که آشکارا نیاز ضروری، برای اصلاحات به سبک غربی‌ها را برای تربیت نیروهای نظامی‌اش آغاز کرد. او چندین دانشجو اساساً با هدف پیشرفت نظامی به اروپا فرستاد.»<sup>۲۸</sup> در سال ۱۸۱۱ در طول حکومت فتحعلی شاه قاجار (۱۸۳۴ - ۱۷۹۸)، در نتیجه سعی و تلاش عباس میرزا و وزیر برجسته اصلاح طلب، میرزا عیسی قائم مقام، دو دانشجو، شامل، یک دانشجوی پزشکی به نام میرزا حاجی بابا افشار از آذربایجان به انگلستان فرستاده شدند. دولت هزار و سیصد تومان برای مخارج سالانه افشار اختصاص داد. او نه سال در لندن ماند و در پزشکی مدرن تربیت یافت. باید گفت که او بخشی از تعلیمات (تحصیلات) پزشکی خود را در دانشگاه آکسفورد کامل کرده است. میرزا حاجی بابا افشار در ۱۸۲۰ به ایران بازگشت و به عنوان پزشک مخصوص عباس میرزا منصوب شد، علاوه بر این به دکترگرمیک در واکسیناسیون آبله در تبریز کمک کرد. او در سال ۱۸۴۱ درگذشت.<sup>۲۹</sup>

دومین دانشجوی پزشکی، میرزا جعفر خان بود که در سال ۱۸۱۵، همراه چهار دانشجوی دیگر به فرانسه فرستاده شد. او مطالعاتش را با موفقیت به اتمام رساند و به ایران بازگشت و در تبریز به کار پزشکی پرداخت. میرزا یحیی در سال ۱۸۴۵ به فرانسه فرستاده شد. او به دلیل انقلاب فرانسه و مرگ محمد شاه قاجار (۱۸۴۸ - ۱۸۳۴) نتوانست تعلیمات (تحصیلات) خود را

۲۶. هدایتی، تاریخ پزشکی معاصر در ایران، ص ۵۳۲.

۲۷. ح. ابراهیم نژاد، «دین و پزشکی در ایران، از ارتباط تا گسست»، تاریخ علم (۲۰۰۲)، ص ۴۹.

28. N. R. Keddie, *Modern Iran* (New Haven, CT, 2004), p. 49.

۲۹. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات آموزشی جدید در ایران (تهران: ۱۹۹۹)، ج ۱، ص ۱۲۲ - ۱۳۰.

کامل کند و در سال ۱۸۴۸ به ایران بازگشت. چهل و دو دانشجوی دیگر که اکثر آنها فارغ التحصیل دارالفنون بودند، در سال ۱۸۵۸ به فرانسه فرستاده شدند. آنها شامل پنج دانشجوی پزشکی بودند، به شرح زیر:

- میرزارضا علی‌آبادی: وقتی به ایران بازگشت، به عنوان معلم پزشکی مدرن در دارالفنون منصوب شد. علی‌آبادی یک کتاب پزشکی به زبان فرانسوی را در تشخیص درد که به وسیله‌ی استاد پزشکی، پروفیسور گاریسول (Garisolle) نوشته شده بود ترجمه کرد.<sup>۳۰</sup> او در سال ۱۸۷۷ در گذشت.<sup>۳۱</sup>
- جلیل اصفهانی: به عنوان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه منصوب شد. او در سال ۱۸۷۱ هنگام شنا در رودخانه جاجرود در اطراف تهران، غرق شد.<sup>۳۲</sup>
- میرزا عبدالوهاب کاشانی: به عنوان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه منصوب شده بود. او در سال ۱۸۷۲ در شیراز درگذشت.<sup>۳۳</sup> نام او یادآور ارزش خدماتی است که چند پزشک ایرانی و اروپایی در دوره ناصرالدین شاه انجام دادند. ناصرالدین شاه همواره از او مشورت می‌خواست.
- میرزا علی‌نقی: تحصیلاتش را در مدرسه پزشکی پاریس کامل کرد و در سال ۱۸۶۱ به ایران بازگشت. او داروساز مخصوص ناصرالدین شاه شد و در سال ۱۹۰۳ درگذشت.<sup>۳۴</sup>
- میرزا حسین خان آزاد (افشار): در سال ۱۸۸۲ به ایران بازگشت و ابتدا به عنوان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه منصوب شد و بعدها پزشک پسرش ظل السلطان که حکمران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۳۰. مجتبی مینوی، «اولین کاروان معرفت»، *مجله ادبیات نیما*، به ویراستاری (سردبیری) حبیب یغمایی، ۶، شماره ۵، (۱۹۵۳)، ص ۱۸۱ - ۱۸۵، ش ۶ ص ۲۳۲ - ۲۳۸، ش ۷، ص ۲۵۴ - ۲۷۴؛ محبوبی اردکانی، *تاریخ مؤسسات جدید آموزشی در ایران*، ج ۱، ص ۱۲۲ - ۱۸۷، ۲۷۰، ۳۲۰ - ۳۶۰. احمد (ایرج) هاشمیان، *تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجار و مدرسه دارالفنون*، (موسسه جغرافیایی شهاب: ۲۰۰۰)، ص ۸۶ - ۹۰.

۳۱. غلامعلی سرمد، *اعزاز دانشجو به خارج از کشور در دوره قاجار* (تهران: ۱۹۹۳)، ص ۳۰۴ - ۳۰۵.

۳۲. همان، ۲۴۲.

۳۳. همان، ص ۳۹۰.

۳۴. حفیظی، *راهنمای دانشکده‌های پزشکی*، ص ۳۶.



اصفهان بود، شد. میرزا حسین خان در سال ۱۹۳۶ به فرانسه مهاجرت کرد و در سال ۱۹۳۶ در فرانسه بر اثر تصادف درگذشت.<sup>۳۵</sup>

از سال ۱۸۷۳ به بعد، ناصرالدین شاه دستور توقف برنامه اعزام دانشجویان به خارج از کشور را داد، زیرا او فکر می‌کرد که این کار تأثیرات مخربی بر روی جوانان ایرانی دارد.<sup>۳۶</sup> با وجود این، زمان کوتاهی بعد از انقلاب مشروطه (۱۹۱۱-۱۹۰۵) مجلس قانونی را تصویب کرد که سی دانشجو باید با کمک هزینه دانشجویی به خارج از کشور اعزام شوند. نخستین گروه از سی دانشجویی که در طول حکومت احمد شاه قاجار (۱۹۲۵-۱۹۰۹) به اروپا فرستاده شدند: پانزده نفر در علوم پیشرفته، هشت نفر تکنولوژی نظامی، دو نفر کشاورزی، دو نفر مهندسی، دو نفر در صنعت و هنر و یک نفر در رشته شیمی تربیت شدند. هیچ یک از دانشجویان پزشکی عضو این گروه نبودند. دانشجویان از طریق بندر انزلی مجرای از دریای خزر به اروپا فرستاده شدند. وزیر آموزش و پرورش، میرزا ابراهیم خان حکیم الملک، سه هزار تومان برای هزینه مسافرت و هزینه آنها در طول ماه‌های اول اقامتشان در خارج از کشور اختصاص داد. متأسفانه این دانشجویان به دلیل وقوع جنگ جهانی اول نتوانستند تحصیلاتشان را کامل کنند و بیشترشان به ایران بازگشتند.<sup>۳۷</sup>

طی دوره قاجار، بین سال‌های ۱۸۰۵ تا ۱۹۲۰، یک گروه از هزار دانشجویی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور فرستاده شدند، شامل پنجاه و پنج دانشجوی پزشکی، اساساً از خانواده‌های رده بالای اجتماعی و اقتصادی برجسته بودند و هر یک از آنان به وسیله دولت یا خانواده‌های خودشان حمایت مالی می‌شدند.<sup>۳۸</sup>

جدول ۱، ترتیب تعدادی از دانشجویان پزشکی است که از سال ۱۸۱۱ تا ۱۹۲۵ در طول سلسله قاجار با حمایت مالی دولت به خارج از کشور اعزام شدند.

۳۵. سرمد، اعزام دانشجو به خارج از کشور، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

۳۶. افشین متین عسگری، «تحصیلات در خارج از کشور»، *دایره المعارف ایرانیکا*، ج ۳، (کستا مسا: ۲۰۰۰)، ص ۲۶۶.

۳۷. هاشمیان، تحولات فرهنگی در دوره قاجار، ۴۶۶ - ۲۲۸ - ۲۲۹. باقر عاقلی، *گاهشمار تاریخ ایران*، ج ۱ (۱۸۹۶-۱۹۷۹) (تهران: ۲۰۰۱)، ص ۸۴ - ۸۵.

۳۸. سرمد، اعزام دانشجو به خارج از کشور، ۱۵۱ - ۱۷۰.

کشور	تعداد کل دانشجویان پزشکی	تعداد کل دانشجویان اعزام شده	سال
انگلستان	۱	۲	۱۸۱۱
انگلستان	۱	۴	۱۸۱۵
فرانسه	۱	۵	۱۸۴۵
فرانسه	۵	۴۲	۱۸۵۹
فرانسه	—	۳۰	۱۹۱۱
مجموع	۸	۸۳	

### وضعیت سلامت همگانی در طی حکومت رضاشاه (۱۹۲۵ - ۱۹۴۱)

در ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵ سلسله قاجار سقوط کرد و سلسله پهلوی توسط رضا شاه تأسیس شد. در آن زمان، کل جمعیت ایران، ۱۰ میلیون نفر، و تهران در سال ۱۹۲۲، ۲۱۰ هزار نفر و در سال ۱۹۴۰، ۵۳۱۲۴۶ نفر جمعیت داشت. در کار پزشکی، معمولاً روش درمان ترجیح داده می شد و بر عوامل پیشگیری تأکید نمی شد. بیماری های واگیردار (عفونی) بخصوص مالاریا هنوز شایع بود. زنان بیشتر مستعد اختلالات گوناگون ناشی از سوء تغذیه، در آغاز ازدواج و بارداری های پی در پی بودند. در تابستان، بیشتر بیماری های روده ای، دلیل مرگ و میر کودکان بود. سوء تغذیه رایج بود، غذای اصلی شهرنشینان فقیر نان بود، و مردم روستا گوشت کمی مصرف می کردند.<sup>۳۹</sup>

بین سال های ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ وزیر بهداشت وجود نداشت و کار پزشکی و بهداشت همگانی براساس قانونی که توسط پارلمان در سال ۱۹۲۶ تصویب شده بود به وسیله وزیر اداره سلامت همگانی (صحه ی کل مملکت) اداره می شد. بعدها در سال ۱۹۳۴، این سازمان به سرپرستی دکتر کراندل به سازمان سلامت عمومی (اداره ی کل بهداری) تغییر نام داد. کراندل (*Kerandel*) - پزشک فرانسوی - اولین مدیر مؤسسه پاستور در ایران بود. سازمان سلامت عمومی در سال ۱۹۴۱ به وزارت بهداشت تغییر نام یافت.<sup>۴۰</sup> در سال ۱۹۳۷ یک بیمارستان (آسایشگاه) مرض سل که به شاه آباد مرکزی مشهور بود، تأسیس شد.<sup>۴۱</sup>

۳۹. گزارش بخش سلامت عمومی کشور، ۱۴ - ۱۶ - ۸۸ - ۹۱.

۴۰. عزیزی، «سابقه بنیاد وزارت بهداشت در ایران»، ص ۱۱۹ - ۱۲۳.

۴۱. عزیزالله عباسی و دیگران، «توسعه جراحی قفسه سینه در ایران»، *اسناد پزشکی ایرانیان*، ۱۰، ش ۴ (۲۰۰۷).

## آموزش پزشکی

با تغییر قرن در ایران، هنوز امتیاز آموزش و پرورش در انحصار طبقات بالا بود. اما این امتیاز به تدریج مورد پسند عامه قرار گرفت. کل اعضای اولیه و ثانویه‌ی دانشجویان در سال ۱۹۲۱، بیست و شش هزار و چهار صد و بیست و پنج (۲۶۴۲۵) نفر بودند و در سال ۱۹۴۱ به سیصد و هفده هزار و دویست و نوزده (۳۱۷۳۱۹) نفر افزایش یافتند.<sup>۴۲</sup> در سال ۱۹۳۴ بنیان دانشگاه تهران، به عنوان دانشگاه مدرن گذاشته شد که طلیعه‌ای در آموزش و پرورش عصر جدید بود.<sup>۴۳</sup> اولین دانشگاه پزشکی و بیشتر دانشکده‌های مهم تأسیس شد، اما آنها با مشکلات بزرگی مواجه شدند. بنابراین، در دسامبر ۱۹۳۶، دولت ایران از سردمداران فرانسه خواست که یک متخصص پزشکی برای سازماندهی مجدد دانشکده پزشکی تهران، به ایران بفرستند. صاحب منصبان فرانسوی پاتولوژیست (آسیب شناس) مشهور، پروفیسور کارلس اُبرلینگ (*Charles Oberling*) را پیشنهاد کردند (۱۹۶۰ - ۱۸۹۵). او به ریاست دانشکده‌های پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی منصوب شد. اما مشکلاتی مثل کمبود فرهیختگان کارآزموده، استادان پزشکی جدید و کمبود معلمان شایسته بیمارستان‌ها وجود داشت. علاوه بر این، کرسی‌های گوناگون آکادمیک، در دستان معدودی از پزشکان دارای نفوذ بود. بعد از یک دوره‌ی پر آشوب، اُبرلینگ با حمایت صاحب منصبان ایرانی و همکارانش در دانشکده پزشکی موفق به انجام اصلاحاتش شد. او یک برنامه‌ی تحصیلی - آموزشی بر پایه‌ی برنامه‌های پیشرفته، شبیه به آنچه که در مدارس پزشکی اروپا، مخصوصاً فرانسه بود، طراحی کرد. علاوه بر این، او بیمارستان‌های جدیدی با اهداف آموزشی، طراحی و سازماندهی کرد که بیشتر آنها به وسیله‌ی افراد با نفوذ مدارس پزشکی سرپرستی و اداره می شد، تا کارمندان رسمی وزارت بهداشت. در اشاره به اعضاء دانشکده‌ی پزشکی، از میان پزشکان متخصص ایرانی و همکاران دکتر اُبرلینگ، که از مراکز معتبر علمی اروپا فارغ التحصیل شده بودند، دکتر محمد قریب (۱۹۷۹ - ۱۹۰۹) پزشک متخصص اطفال، تحصیل کرده فرانسه، یک نمونه مشهود بود. هدف اصلی استاد اُبرلینگ، بهبود استانداردهای سلامت به وسیله‌ی کنترل بیماری‌های رایج بومی، مشروط بر تسهیلات مناسب برای پیاده سازی (برنامه) سلامت بود. بنابراین، او به وزیر فرهنگ پیشنهاد کرد که یک روزنامه پزشکی در ایران

۴۲. اشرف احمدی، *ایران در گذشته و حال* (تهران: ۱۹۷۹)، ص ۳۷۳ - ۳۷۵.

۴۳. هدایتی، *تاریخ پزشکی معاصر در ایران*، ص ۵.

تأسیس شود. در فوریه ۱۹۴۳، وزیر فرهنگ (وزارت معارف)، دکتر علی اکبر سیاسی (۱۹۹۰ - ۱۸۹۴) اجازه‌ی انتشار روزنامه مدرسه‌ی پزشکی تهران را به استاد پزشکی، دکتر نصرت‌الله کاظمی داد.<sup>۴۴</sup>

## اعزام دانشجویان پزشکی

در طی حکومت رضاشاه، تحصیلات عالی شامل: تعلیمات پزشکی، تحت نظارت وزیر آموزش و پرورش (وزارت معارف) بود. در سال ۱۹۲۸ قانون خاصی توسط مجلس تصویب شد که به موجب آن، وزیر آموزش و پرورش باید سالانه صد دانشجو برای تحصیلات عالی با هزینه دولت به خارج از کشور بفرستد.<sup>۴۵</sup> در سال ۱۹۲۹ درآمد ملی حدود ۲۹/۵ میلیون تومان بود. دویست هزار تومان برای اعزام دانشجو به خارج از کشور اختصاص داده شد.<sup>۴۶</sup> بین سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۵، یک گروه از ششصد و چهل دانشجو، شامل صد و بیست و پنج دانشجوی پزشکی، برای تحصیلات عالی در رشته‌های گوناگون به خارج از کشور فرستاده شدند، شامل: علوم طبیعی، ریاضیات (علوم دقیقه)، مهندسی، تحصیلات پیشرفته، پزشکی، جراحی، چشم پزشکی و دندان پزشکی. به هر حال اولین دانشجویانی که به خارج از کشور فرستاده شدند مجبور به گذراندن امتحانات شفاهی و کتبی در زمینه‌های آناتومی (تشریح)، فیزیولوژی، فیزیوتراپی، تشخیص بیماری‌ها و همچنین آزمون زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی بودند. میرزا فرج‌الله خان بهرامی، سرپرست اولین گروه از دانشجویانی شد که در سال ۱۹۲۸ به اروپا فرستاده شدند.<sup>۴۷</sup>

بیشتر صد و بیست و پنج دانشجوی پزشکی (۸۴٪) به فرانسه مسافرت کردند که از قرن شانزدهم با ایران روابط دیپلماتیک داشت و در دوره قاجار نیز این روابط برقرار بود.<sup>۴۸</sup> در حدود یک قرن فرانسه یا کشورهای اروپایی فرانسوی زبان، برای دانشجویان ایرانی از لحاظ مکان ترجیح داده

۴۴. م. ح. عزیزی و م. بهادری، «به یاد دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی (۱۹۰۴ - ۱۹۴۸)، پیشگام آسیب شناسی مدرن در ایران، مقاله پزشکی ایرانیان، اسناد پزشکی ایرانیان ۹، ش ۴ (۲۰۰۶)، ص ۴۳۸ - ۴۴۱.  
 ۴۵. عبدالحسین نوایی و الهام ملک زاده، دانشجویان ایرانی در اروپا (تهران: ۲۰۰۳)، ص ۱۴ - ۱۵.  
 ۴۶. پورشالچی، دوره رضاشاه، ص ۴۲۱، نوایی و ملک زاده، دانشجویان ایرانی در اروپا، ص ۱۵.  
 ۴۷. حفیظی، راهنمای دانشکده‌های پزشکی، ص ۷۱ - ۷۴؛ هدایتی، تاریخ پزشکی معاصر در ایران، ص ۶۴ - ۵۹.  
 ۴۸. حفیظی، راهنمای دانشکده‌های پزشکی، ص ۷۴ - ۷۱.

می‌شد.<sup>۴۹</sup> در آن زمان انگلیس، آلمان، سوئیس، بلژیک و آمریکا کشورهایی بودند که دانشجویان پزشکی به آنجا نیز فرستاده می‌شدند. در میان دانشجویانی که به خارج از کشور فرستاده می‌شدند، گاهی دانشجویان زن، به علاوه دانشجویانی از اقلیت‌های مذهبی مثل ارمنیان و یهودیان نیز بودند. در سال ۱۹۴۳ به دلیل جنگ جهانی دوم، دولت ایران همه‌ی دانشجویان (اعزام شده به خارج) را فراخواند و بیشترشان از راه وین، بوداپست و استانبول به وطن برگشتند.<sup>۵۰</sup>

جدول شماره ۲، تعداد کل دانشجویان ایرانی اعزام شده به خارج از کشور، بین سال‌های (۱۹۳۵ - ۱۹۲۸) را نشان می‌دهد. بیشتر دانشجویانی که بعد از تکمیل تحصیلات و فارغ التحصیلی‌شان به ایران بازگشتند بعدها به عنوان هیئت علمی (استاد) به دانشکده پزشکی تهران پیوستند.

### تأثیر اعزام دانشجویان به خارج از کشور در آموزش پزشکی و سلامت عمومی

اثرات مهم گروه پزشکان فارغ التحصیل اروپایی و تأثیرشان بر پزشکی و سلامت عمومی را می‌توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

- شمار دانشجویان تعلیم دیده پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی با کل فارغ التحصیلان دانشگاه تهران در سال ۱۹۳۰ به دویست و نود و سه نفر، در ۱۹۴۱ به هفتصد و چهل و چهار نفر و در سال ۱۹۵۱ به هزار و هشتصد نفر افزایش یافت.
- دانش مدرن پزشکی، در میان دانشجویان پزشکی تعلیم دیده علوم نظری و بالینی ترویج یافت.
- ترجمه‌ی کتاب‌های پزشکی غرب.
- انجام پروژه‌های تحقیقاتی در مورد بیماری‌های بومی و شایع و چاپ نتایج آنها در روزنامه‌های پزشکی داخلی و خارجی. به عنوان مثال دکتر مصطفی حبیبی گلیپایگانی (۱۹۴۸ - ۱۹۰۴)، چندین مقاله چاپ کرد.
- پیدایش موسسه‌های پزشکی مدرن؛ به‌عنوان مثال دکتر مسیح دانشوری، اولین درمانگاه مرض سل را تأسیس کرد.

---

۴۹. حسن تاجبخش، تاریخ دامپزشکی و پزشکی در ایران، ج ۲ (تهران: ۱۹۹۶)، ص ۵۷۰ - ۵۷۳.

۵۰. پورشالچی، دوره رضاشاه، ص ۳۹۱ - ۳۹۹؛ هدایتی، تاریخ پزشکی معاصر در ایران، ص ۵۹ - ۶۴؛ اردکانی، تاریخ مؤسسات آموزشی جدید در ایران، ج ۱، ص ۳۵۵ - ۳۶۶.

جدول ۲: تعداد دانشجویانی که با حمایت مالی دولت بین سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۵ به خارج از کشور فرستاده شدند.

سال	تعداد کل دانشجویان اعزام شده	تعداد کل دانشجویان پزشکی	تعداد کل دانشجویان اعزام شده به هر کشور				
			فرانسه	انگلستان	آلمان	بلژیک	سوئیس
۱۹۲۸	۱۱۱	۲۲	۲۰	۲	-	-	-
۱۹۲۹	۹۸	۲۴	۱۹	۱	۲	۱	۱
۱۹۳۰	۹۹	۲۲	۱۹	۱	۱	۱	-
۱۹۳۱	۱۰۱	۲۰	۱۶	۳	۱	-	-
۱۹۳۲	۱۰۱	۱۷	۱۴	۱	۱	-	۱
۱۹۳۳-۳۵	۱۳۰	*۲۰	۱۷	۱	-	-	-
کل	۶۴۰	۱۲۵	۱۰۵	۹	۵	۲	۲

\*نکته: دو نفر از دانشجویان این گروه به آمریکا فرستاده شدند.

منبع: تاریخچه پزشکی امروز ایران از جواد هدایتی (تهران: ۲۰۰۲)، ص ۶۳-۶۱.

- پذیرفتن مسؤلیت اداری در وزارت بهداشت، مؤسسه‌های پزشکی و پیراپزشکی، به علاوه مدارس پزشکی و دندانپزشکی و داروسازی یا بخش‌های سلامت عمومی. به عنوان مثال دکتر محمد علی ملکی، متخصص بیماری‌های پوستی از فرانسه، به عنوان وزیر بهداشت منصوب شد.
- مشارکت در هدایت (پیش بردن) برنامه‌های سلامت، استانداردهای سلامت عمومی را بالا برد.

### برخی از چهره‌های برجسته در میان دانشجویان پزشکی ایرانی خارج از کشور

همچنانکه پیش از این ذکر شده، شمار زیادی از ایرانیان تحصیلکرده در اروپا، به درجات بالایی در آموزش پزشکی یا در واحدها و مراکز بهداشتی و سلامتی در ایران رسیدند. گزارش زیر شامل یادداشت‌های کوتاهی درباره‌ی بعضی از این دانشجویان است که با هزینه‌ی دولت در میان سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۵ به اروپا رفتند و سپس به دانشکده پزشکی تهران پیوستند:

دکتر مهدی آذر (۱۹۹۳ - ۱۹۰۳) در مشهد به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۸ به فرانسه رفت. او متخصص داخلی شد و در سال ۱۹۳۴ به ایران بازگشت. دکتر آذر در بازگشت، ابتدا کار پزشکی را

به مدت سه سال در استان آذربایجان غربی ادامه داد. سپس به تهران رفت و به سرپرستی آموزشی بیمارستان رازی که به دانشکده پزشکی تهران پیوسته بود، منصوب شد. او در سال ۱۹۴۰ استاد تمام پزشکی شد. دکتر آذر در کابینه دکتر محمد مصدق بین سال‌های (۱۹۵۳ - ۱۹۵۲) به عنوان وزیر آموزش و پرورش منصوب شد. او در سال ۱۹۹۳ درگذشت.<sup>۵۱</sup>

دکتر نصرت الله باستان (۱۹۸۶ - ۱۹۰۳) در تهران به دنیا آمد. ابتدا در دارالفنون تحصیل کرد و سپس در مدرسه پزشکی (مدرسه طب) نام نویسی نمود. او در سال ۱۹۲۸ به فرانسه اعزام و در چشم پزشکی به درجات عالی رسید و در سال ۱۹۳۷ به ایران بازگشت. در سال ۱۹۴۰ به عنوان استاد چشم پزشکی، در دانشکده پزشکی تهران منصوب شد. دکتر باستان چندین رساله در چشم پزشکی و بیماری‌های گوش، گلو (حلق) و بینی منتشر کرد.<sup>۵۲</sup>

دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی (۱۹۴۸ - ۱۹۰۴) در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۸ به فرانسه فرستاده شد. در سال ۱۹۳۵، از دانشکده پزشکی پاریس فارغ التحصیل و تحصیلاتش را در پاتولوژی (آسیب شناسی) ادامه داد و در سال ۱۹۳۶ به ایران بازگشت. دکتر حبیبی در بازگشت، به عنوان عضو پیوسته (استادیار) بافت شناسی و جنین شناسی به کار گرفته شد. او اولین آزمایشگاه پزشکی مدرن را در سال ۱۹۳۶ در ایران تأسیس کرد. در سال ۱۹۴۱ وقتی که پروفیسور اُبرلینگ رئیس دانشکده پزشکی تهران شد، دکتر حبیبی مقام استادی پاتولوژی را به عنوان اولین نفر در دانشکده دریافت کرد و اولین مؤسس (بنیانگذار) روزنامه پزشکی دانشگاه تهران شد. او همچنین آموزشگاه‌های عالی بهداری را در مشهد (۱۹۴۱)، شیراز و اصفهان (۱۹۴۶)، تأسیس کرد. این آموزشگاه‌ها پیشرو تأسیس دانشکده‌های پزشکی در این شهرها بودند. علاوه بر این دکتر حبیبی چندین رساله در پزشکی نوشت و شماری مقاله نیز در پاتولوژی و بیماری‌های بومی منتشر کرد. وی در سن چهل و چهار سالگی بر اثر بیماری قلبی درگذشت.<sup>۵۳</sup>

دکتر محمد علی ملکی (۱۹۹۱ - ۱۹۰۳)، در یزد به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۸ از مدرسه پزشکی تهران (مدرسه طب) فارغ التحصیل شد. او تحصیلاتش را در رشته بیماری‌های پوستی

---

۵۱. حقیقی، راهنمای دانشکده‌های پزشکی، ص ۵۹؛ اقبال یغمایی، *وزرای فرهنگ ایران* (تهران: ۱۹۹۶)، ص ۴۳۸ - ۴۴۱، ایرج افشار، «تازه‌ها و پاره‌های ایران شناسی»، *کلیک*، ۵۴، (۱۹۹۵)، ص ۲۸۱ - ۲۸۲.

۵۲. حقیقی، *راهنمای دانشکده‌های پزشکی*، ص ۱۱ - ۱۰.

۵۳. همان، ۱۵۵ - ۱۵۶، عزیزی و بهداری، «به یاد دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی»، ص ۴۳۸ - ۴۴۱.

در فرانسه ادامه داد. سپس در سال ۱۹۴۹ به ایران بازگشت و استاد درماتولوژی (پوست شناسی) دانشکده پزشکی تهران شد. دکتر ملکی دو جلد کتاب درسی، در مورد بیماری های پوستی در سال ۱۹۴۷ منتشر کرد.<sup>۵۴</sup> او در سال ۱۹۵۱ در کابینه دکتر محمد مصدق برای مدت کوتاهی وزیر بهداشت شد.

دکتر ابراهیم نعمت الهی در سال ۱۹۰۳ در اصفهان به دنیا آمد. او از مدرسه پزشکی تهران فارغ التحصیل و در سال ۱۹۲۸ به فرانسه فرستاده شد. در سال ۱۹۳۶ فیزیولوژیست شد و به ایران بازگشت. دکتر نعمت الهی در بازگشتش، ابتدا به عنوان استادیار فیزیولوژی و سپس در سال ۱۹۴۱ استاد تمام و رئیس بخش فیزیولوژی دانشکده پزشکی تهران شد. او بین سال های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ رئیس دانشکده بود. دکتر نعمت الهی سه کتاب درسی در زمینه فیزیولوژی منتشر کرد.<sup>۵۵</sup>

دکتر ابوالقاسم پزشکیان، در سال ۱۹۱۱ در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۸ به فرانسه رفت و سال ۱۹۳۶ از دانشکده پزشکی پاریس فارغ التحصیل شد. او در بازگشت به وطن، به عنوان استادیار فیزیولوژی در دانشکده پزشکی تهران منصوب شد.<sup>۵۶</sup>

دکتر محمد حسین ادیب (۱۹۹۴ - ۱۸۹۹) در تهران به دنیا آمد. ابتدا در دارالفنون تحصیل کرد، سپس به فرانسه فرستاده شد. در آنجا ابتدا به تحصیل در رشته حقوق پرداخت، سپس به پزشکی علاقه مند شد. او در سال ۱۹۲۶ از دانشکده پزشکی پاریس فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۴۱ به ایران بازگشت و استاد پزشکی قانونی در دانشکده پزشکی تهران شد.<sup>۵۷</sup>

دکتر ابراهیم چهارازی در سال ۱۹۰۹ در اصفهان به دنیا آمد، از دارالفنون فارغ التحصیل شد و سپس در دانشکده پزشکی تهران نام نویسی کرد. او در سال ۱۹۲۶ به فرانسه فرستاده شد و تحصیلاتش را در علم اعصاب و روان ادامه داد. او در سال ۱۹۳۷ به ایران بازگشت و به عنوان استاد و رئیس بخش روانشناسی در بیمارستان روزبه، وابسته به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران منصوب شد.<sup>۵۸</sup> او در سال ۱۹۴۰ یک بیمارستان خصوصی روانشناسی در تهران تأسیس کرد.

۵۴. حفیظی، راهنمای دانشکده های پزشکی، ص ۶۳

۵۵. همان، ص ۷۶ - ۷۵.

۵۶. همان، ص ۸۶.

۵۷. همان، ص ۳ - ۲.

۵۸. همان، ص ۲۱ - ۲۰.



دکتر فریدون منوچهریان (۱۹۷۰ - ۱۹۱۱) در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۹۲۶ به فرانسه فرستاده شد و در دانشکده پزشکی پاریس، رادیولوژی و در دانشگاه سوربن فیزیک خواند. او در سال ۱۹۳۹ به ایران بازگشت و به عنوان استادیار رادیولوژی منصوب شد. او فیزیک پزشکی و رادیولوژی تدریس می کرد تا اینکه به مقام استادی در رادیولوژی رسید. در سال ۱۹۴۵ سازمان اتمی برای بازدید از مراکز علمی در آمریکا از او دعوت به عمل آورد. او در بازگشتش، گزارش جامعی نوشت و پیشنهادهای سودمندی برای ترویج قواعد علمی رادیولوژی، رادیو گرافی و فیزیک پزشکی در ایران ارائه داد. علاوه بر این، پیشنهاد تأسیس بخش بیوفیزیک در دانشکده پزشکی تهران را داد. دکتر منوچهری دو کتاب درسی درباره رادیولوژی نوشت که به وسیله دانشگاه تهران چاپ و منتشر شد. او در سن پنجاه و نه سالگی بر اثر بیماری مزمنی درگذشت.<sup>۵۹</sup>

دکتر عبدالحسین میر سپاسی (۱۹۷۶ - ۱۹۰۳) در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۶ به فرانسه رفت. او در سال ۱۹۳۵ به عنوان روانپزشک از دانشکده پزشکی لیون فارغ التحصیل شد. او در بازگشتش به ایران ابتدا یک سال در بخش روانپزشکی بیمارستان روزبه (تأسیس ۱۹۴۱) به فعالیت پرداخت و در سال ۱۹۵۰ از اعضای دانشکده پزشکی تهران شد.<sup>۶۰</sup> او پیشگام روانپزشکی مدرن در ایران بود.

دکتر ابوالقاسم نجم آبادی سال ۱۹۰۶ در تهران به دنیا آمد و در مدرسه پزشکی تهران تحصیل کرد. سال ۱۹۲۶ به فرانسه رفت و سال ۱۹۳۶ از دانشکده پزشکی پاریس فارغ التحصیل شد. به محض بازگشتش به ایران استاد آناتومی (کالبدشناسی) شد. او چهار رساله درسی در مورد آناتومی انسان نوشت.<sup>۶۱</sup>

دکتر جمشید اعلم (تولد ۱۸۹۶)، مدرک پزشکی را از دانشکده پزشکی لیون دریافت کرد. سپس تحصیلاتش را در دانشکده پزشکی پاریس ادامه داد و در سال ۱۹۳۴ فارغ التحصیل رشته حنجره شناسی (متخصص بینی، گلو و دهان) شد. بعد بازگشت به ایران، ابتدا یک سال به عنوان رئیس بخش حنجره شناسی در بیمارستان وزیری منصوب شد. سپس در بیمارستان امیر اعلم (تأسیس ۱۹۱۶) نیز همین منصب را داشت.<sup>۶۲</sup>

۵۹. همان، ص ۹۳.

۶۰. همان، ص ۱۲۷.

۶۱. همان، ص ۸۶.

۶۲. همان، ۱۱ - ۱۰.

دکتر ناصر انصاری، در سال ۱۹۱۳ در اصفهان به دنیا آمد و از دارالفنون فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۹۳۰ به پاریس فرستاده شد و در رشته انگل شناسی تحصیل کرد. در بازگشتش به ایران، استادیار انگل شناسی دانشکده پزشکی تهران منصوب شد. او در سال ۱۹۴۳ استاد تمام شد و بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ به قائم مقامی دانشکده پزشکی تهران منصوب شد. او در سال ۱۹۴۹ دو جلد کتاب درسی در مورد انگل شناسی نوشت. تحقیقات او بر بیماری‌ها و عفونت‌های انگلی در ایران متمرکز شده بود.<sup>۶۳</sup>

دکتر مسیح دانشوری (۱۹۷۹ - ۱۸۹۹) در سال ۱۹۳۰ به فرانسه فرستاده شد و در سال ۱۹۳۴ در بازگشتش به ایران اولین متخصص سل شد. در سال ۱۹۳۷ دوباره بیمارستان شاه آباد را به عنوان اولین بیمارستان مرض سل، در ایران تأسیس کرد (بیمارستان شاه آباد در سال ۱۹۰۲ تأسیس شده بود). او حدود چهل سال رئیس بیمارستان بود. در سال ۱۹۴۳ دکتر دانشوری، اولین مؤسس انجمن حمایت از بیماران سل بود.<sup>۶۴</sup>

دکتر حسین سهراب، سال ۱۹۰۲ در اصفهان به دنیا آمد. در سال ۱۹۳۸ از دانشکده پزشکی پاریس فارغ التحصیل شد. به محض بازگشتش به ایران، استاد میکروبیولوژی شد، و در سال ۱۹۴۸ به ریاست دانشکده پزشکی تهران منصوب شد. دکتر سهراب در سال ۱۹۴۲ یک کتاب درسی در زمینه میکروبیولوژی منتشر کرد.<sup>۶۵</sup>

دکتر علی وکیلی سال ۱۹۱۱ در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۹۳۰ به پاریس رفت و سال ۱۹۳۹ فارغ التحصیل شد. سال ۱۹۴۰ به ایران بازگشت و به عنوان استادیار پزشکی داخلی دانشکده منصوب شد. او پنج کتاب درسی در مورد پزشکی داخلی نوشت.<sup>۶۶</sup>

دکتر نعمت الله کیهانی، سال ۱۹۰۹ در تهران به دنیا آمد، او ابتدا در دانشکده پزشکی تهران درس خواند، سپس به فرانسه رفت و سال ۱۹۳۶ از دانشکده پزشکی پاریس فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۳۸ به ایران بازگشت و استاد و رئیس بخش آناتومی دانشکده پزشکی تهران (در سال ۱۹۵۰) شد.<sup>۶۷</sup>

۶۳. همان، ص ۱۷ - ۱۶.

۶۴. عباسی و دیگران، «توسعه جراحی های قفسه سینه در ایران»، ص ۵۴۸.

۶۵. حقیقی، راهنمای دانشکده‌های پزشکی، ص ۲۸ - ۲۷.

۶۶. همان، ص ۷۹ - ۷۸.

۶۷. همان، ص ۵۰ - ۴۹.

دکتر هادی مؤدب میر فخرایی، سال ۱۹۱۱ در تهران به دنیا آمد. از مدرسه پزشکی پاریس فارغ التحصیل شد و سپس تعلیمات پزشکی را در ژنوا ادامه داد. در بازگشتش به ایران، ابتدا در سال ۱۹۴۴ به عنوان رئیس مامایی و درمانگاه بیماری‌های زنان، در بیمارستان گوهرشاد تهران منصوب شد. سرانجام در سال ۱۹۴۹ رئیس همان بخش آن بیمارستان شد.<sup>۶۸</sup>

دکتر محمد قریب، سال ۱۹۱۰ در تهران به دنیا آمد، و در سال ۱۹۳۲ به فرانسه فرستاده شد. دکترای پزشکی، از دانشکده پزشکی پاریس را دریافت کرد و تحصیلاتش را در طب اطفال ادامه داد. سال ۱۹۳۹ به ایران بازگشت و در ابتدا در بخش طب اطفال بیمارستان رازی مشغول به کار شد. بعدها او رئیس بخش طب اطفال بیمارستان رازی، بیمارستان هزار تخت خوابه، (امروزه بیمارستان امام خمینی نامیده می‌شود) و مرکز پزشکی کودکان شد. دکتر قریب و دکتر حسن اهری از پیشگامان تأسیس مراکز پزشکی کودکان بودند. دکتر قریب در سال ۱۹۴۱، کتابش را درباره پزشکی کودکان چاپ کرد و آن را بیماری‌های کودکان نامید. او اولین رئیس انجمن بیماری‌های اطفال در ایران بود. دکتر قریب در سال ۱۹۷۵ در سن شصت و پنج سالگی در اثر سرطان درگذشت. او به پدر بیماری‌های اطفال در ایران مشهور است.<sup>۶۹</sup>

دکتر حسن هاشمیان، در سال ۱۹۱۵ در کاشان به دنیا آمد، و در سال ۱۹۳۲ به انگلستان فرستاده شد. او فارغ التحصیل جراحی از دانشگاه سلطنتی بود و یک جراح عمومی و پزشک با تجربه در لندن شد. او در ۱۹۵۶ به ایران بازگشت و دانشکده پزشکی تهران از وی دعوت کرد. او به ریاست بخش جراحی سرطان در مؤسسه پزشکی تاج سابق، که انجمن شیر و خورشید ایران (انجمن هلال احمر امروزی) نامیده شد، پذیرفته شد. دکتر هاشمیان استاد شمار زیادی از جراحان سرطان و عمل‌های جراحی اصلاحی (پیوند) بود.<sup>۷۰</sup>

## خاتمه

در مجموع یک گروه هشتاد و سه نفره از دانشجویان، شامل هشت دانشجوی پزشکی در دوره ی قاجار با هزینه ی دولت به اروپا فرستاده شدند. اولین دانشجویان پزشکی در سال ۱۸۱۱ در طول

۶۸. همان، ص ۱۲۷.

۶۹. رضا قریب و س. نجف. تومارایی، «تکامل پزشکی اطفال در ایران»، اسناد پزشکی / ایران‌یان، ۷، ش ۲، (جولای

۲۰۰۴)، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.

۷۰. هدایتی، تاریخ پزشکی معاصر در ایران، ص ۸۵ - ۸۶.

حکومت فتحعلی شاه به انگلستان رفتند. بین سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲ در طول حکومت رضا شاه پهلوی، یک گروه ششصد و چهل نفره از دانشجویان شامل صد و بیست و پنج دانشجوی پزشکی، به کشورهای اروپایی مخصوصاً به فرانسه فرستاده شدند. اکثر دانشجویان فارغ التحصیل پزشکی، به ایران بازگشتند و نقش مهمی در ترویج پزشکی مدرن و میزان پیشرفت سلامت عمومی داشتند. این تغییرات بعد از تأسیس دانشکده پزشکی تهران در سال ۱۹۳۴ بیشتر مشهود شد و به افزایش شمار دانشجویان تربیت یافته پزشکی، چاپ و انتشار کتاب‌های پزشکی مدرن، تأسیس بیمارستان‌های پزشکی جدید و مؤسسات سلامت عمومی، مانند مؤسسه پاستور ایران و ترویج میزان سلامت مثل برنامه‌های واکسیناسیون منجر شد. به هر حال بعد از جنگ جهانی دوم، تعداد دانشجویانی که با کمک هزینه‌های دولتی یا خصوصی برای ادامه تحصیلات به خارج از کشور رفتند، افزایش یافت و به تأسیس مدارس مدرن پزشکی عصر در ایران کمک کرد. این کار خود می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعات بعدی باشد.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی